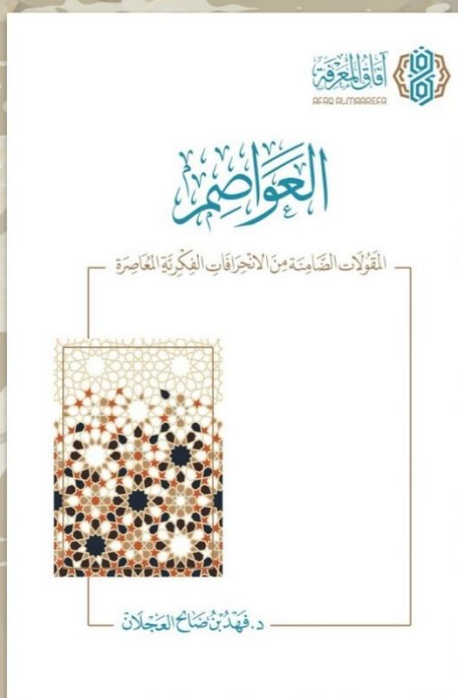


سخنان محافظ (۱۵)

و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده

دکتر فهد العجلان | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



سخنان محافظ | و در دل های ما کینه ای نسبت به مؤمنان قرار داده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخنان محافظ (۱۵) و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده

این گفته، یک معنای ایمانی و اخلاقی را در تعامل با مؤمنان پایه‌گذاری می‌کند. این سخن، پایانِ این امت را به آغاز آن پیوند می‌زند و این امت را با رشته‌هایی از محبت، رحمت، صفا و پاکی به یکدیگر متصل می‌سازد. این دعا برای آمرزش کسانی که در ایمان پیشی گرفته‌اند و سپس دعا برای رهایی از کینه، دربردارندهٔ معانی بزرگی است:

معنای اول: ثابت دانستن ایمانِ آنان؛ به این معنا که [دعا کننده] بر آنان ستم نمی‌کند تا ایمانشان را نفی کند یا در آن تردید روا دارد.

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

معنای دوم: ارج نهادن به پیشی گرفتن آنان در ایمان. این از آثار بزرگداشتِ ایمان در قلب مؤمن است که سبب می‌شود برای کسانی که در این نعمتِ بزرگ بر او پیشی گرفته‌اند، احترام قائل شود.

زیرا معیار نزد اهل اسلام، «ایمان» و «پیشی گرفتن در آن» است؛ نه معیارهای دشمنان پیامبران که ملاک را در قدرت، جایگاه و ثروت شخص می‌دیدند. چنانکه قوم نوح در مقام اعتراض گفتند: **{وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا أَنْ يُكْفِّرُوا بِكَ} [هود: ۲۷]** (و ما نمی‌بینیم جز آنکه فرومایگان ما از تو پیروی کرده‌اند). و مشرکان با همین معیار بر پیروان پیامبر فخرفروشی می‌کردند: **{وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا} [مریم: ۷۳]** (و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنان خوانده می‌شود، کافران به مؤمنان می‌گویند: کدام یک از دو گروه [ما و شما] جایگاهش بهتر و محفلش زیباتر است؟). و آنان همین را دلیل عدم پذیرش خود قرار دادند: **{لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ} [الأحقاف: ۱۱]** (اگر [اسلام] چیز خوبی بود، آنان در [پذیرش] آن بر ما پیشی نمی‌گرفتند). و با ناباوری گفتند:

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

{أَهْوَلَاءِ مَنِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا} [الأنعام: ۵۳] (آیا اینانند که الله از میان ما بر

آنان منت نهاده است؟).

معنای سوم: اثبات برادری میان همه اهل ایمان؛ هرچند آنان را نشناسد، ندیده باشد، یا هم‌عصرشان نباشد. حتی اگر قرن‌ها میانشان فاصله باشد، این پیوند ایمانی همه آنان را گرد هم می‌آورد.

معنای چهارم: محبت و خیرخواهی برای دیگران است؛ چرا که او هم برای خود و هم برای آنان دعا می‌کند.

معنای پنجم: یادآوری گستردگی رحمت خداوند است؛ زیرا او برای همه کسانی که پیش از او ایمان آورده‌اند، طلب آمرزش می‌کند و آن را به خود محدود نمی‌سازد.

معنای ششم: اینکه صفت مؤثر در این محبت و این دعا، «تمسک به ایمان» است. هرچه پایبندی فرد به ایمان، قیام به شعبه‌های آن و دوری از نواقص آن بیشتر شود، سزاوار این محبت، دوستی و دعا می‌گردد.

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

معنای هفتم: کوشش برای پاک نگه داشتن دل از کینه (غِلّ) نسبت به مؤمنان.

اینها معانی بزرگی است که از این دعای قرآنی برمی‌آید. این دعا در وهله اول درباره اصحاب پیامبر ﷺ آمده است، زیرا آنان نخستین کسانی بودند که در ایمان پیشی گرفتند؛ اما شامل کسانی که پس از آنان آمدند نیز می‌شود. در نتیجه، هر نسلی برای نسل پیش از خود طلب رحمت می‌کند.

و هرچه مسلمان به سنت نزدیک‌تر باشد، قلبش نسبت به مسلمانان پاک‌تر است. به همین دلیل، عَنبَسَةُ بن سعید کَلَاعی گفته است: «هیچ مردی بدعتی را آغاز نکرد، مگر آنکه سینه‌اش از کینه مسلمانان پر شد»!

این معنای شرعی بزرگ، همان چیزی است که دل‌های مسلمانان را گرد هم می‌آورد، سخنشان را یکپارچه می‌سازد و از اثر وسوسه‌های شیطان میان آنان می‌کاهد. و هرچه این معنا ضعیف‌تر شود، اختلاف، تفرقه و نزاع بیشتر

^۱ هروی در «ذم الکلام و أهله» (۴۲۹)، قوام السنة در «الحجة فی بیان المحجة» (۱/ ۳۳۰)، و ابن عساکر در «تاریخ دمشق» (۴۷/ ۱۳) روایت کرده‌اند.

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرارمده |

می‌گردد. این معنایی است که فقهای سلف (رحمهم الله) به آن توجه داشته‌اند. عَوَّام بن حَوْشَب می‌گوید: «کسانی از صدر این امت را درک کردم که به یکدیگر می‌گفتند: نیکی‌های اصحاب رسول خدا ﷺ را یاد کنید تا دل‌ها بر [محبت] آنان متحد شود و از آنچه میان‌شان رخ داده، سخن نگویند که مردم را علیه آنان تحریک می‌کنید»!

* * *

آثار این گفته:

- بیان فضل صحابه:

پاکی دل، از پاکی آن نسبت به صحابه رسول خدا آغاز می‌شود و سپس به تابعین و نسل‌های پس از آنان می‌رسد. پس هر کس کینه صحابه رسول خدا ﷺ را در دل داشته باشد، کینه‌اش نسبت به نسل‌های پس از آنان شدیدتر

^۱ حرب کرمانی در «مسائل» خود (۳/ ۱۱۷۸)، خلال در «السُّنَّة» (۱/ ۴۰۳)، آجری در «الشریعة» (۵/ ۲۴۹۲)، ابن عدی در «الکامل فی ضعفاء الرجال» (۵/ ۵۳)، و ابونعیم در «الإمامة و الرد علی الرافضة» (۳۷۵) روایت کرده‌اند.

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرارمده |

خواهد بود. چنانکه سُفیان بن عُیینة گفته است: «دلِ هیچ‌کس نسبت به یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ کینه نمی‌گیرد، مگر آنکه دلش نسبت به [عموم] مسلمانان کینه‌توزتر است»^۱.

بنابراین، دعا برای این نسل، نشانه‌ی پاکی و خیر است؛ و دقیقاً در نقطه‌ی مقابل باورهای فاسدی است که رافضه در دل‌های خود علیه سروران این امت دارند؛ باورهایی چون تکفیر، گمراه دانستن و فاسق خواندن پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و بدگویی درباره‌ی جمهور صحابه (رضی الله عنهم).

- خودداری از پرداختن به آنچه میان صحابه رُخ داد:

پس از شهادت عثمان (رضی الله عنه)، فتنه‌ها و حوادثی میان صحابه (رضی الله عنهم) رُخ داد که وقایع آن معروف است. نظر اهل سنت بر «خودداری» از داوری درباره‌ی آنچه در این وقایع میان آنان رُخ داد، متفق است. این خودداری، یک موضع عقلانی و ایمانی بزرگ است که بر چند اصل استوار است:

^۱ نگاه کنید به: الشرح و الإبانة از ابن بطه (ص ۱۲۸).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

نخست: به یاد داشتن عظمت این نسل، فضیلت، نیکی‌های پرشمار و نیت نیکوی آنان. پس سخن گفتن دربارهٔ آنان، مانند سخن گفتن دربارهٔ دیگران نیست.

دوم: این موضوع به یک رخداد تاریخی پایان‌یافته مربوط است که هیچ ثمره و معنایی در کاویدن آن وجود ندارد.

سوم: دشواریِ احاطهٔ کامل بر این رخداد. زیرا شخص [برای داوری] نیازمند شناخت روایات صحیح، رعایت عدل در داوری، درک جایگاه تأویل [و اجتهاد] در اعمال آنان، و موازنه میان نیکی‌ها و بدی‌هایشان است. همهٔ اینها مباحثی دقیق است که بیشتر مردم از عهدهٔ آن برنمی‌آیند و در نتیجهٔ ورود به آن، به ظلم و بدگویی علیه بهترین مردمان دچار می‌شوند.

پس «خودداری» یک موضع عقلانی است، زیرا مسلمان با این کار، برای دین خود احتیاط می‌کند؛ موضعی که هیچ ضرری در آن نیست و او را از هیچ مصلحتی محروم نمی‌سازد.

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

از تعبیر زیبای سلفی در این باره، این گفته آنان است: آن خون‌هایی بود که خداوند ما را از آلوده شدن به آن حفظ کرد، پس ما نیز زبانمان را از ورود به آن حفظ می‌کنیم. چنانکه عمر بن عبدالعزیز هرگاه درباره [نبردهای] صفین و جمل پرسیده می‌شد، می‌گفت: «امری بود که خداوند دستان مرا از آن خارج ساخت، من نیز زبانم را وارد آن نمی‌کنم».^۱ «این نظری نیکو و زیبا از عمر بن عبدالعزیز (رضی الله عنه) در سکوت کردن از چیزی است که به او مربوط نیست و نیازی به سخن گفتن در آن ندارد».^۲

میمونی به امام احمد گفت: درباره نبرد طلحه و زبیر (رحمهما الله) با او (علی) و آن خون‌ها چه می‌کنی و چه می‌گویی؟ [احمد] گفت: «ما را با طلحه و زبیر

^۱ ابن سعد در «الطبقات الکبری» (۳۸۲۷)، ابن ابی‌خیثمه در «التاریخ الکبیر» (۲۵۲ / ۳) و خلال در

«السُّنَّة» (۳۶۳ / ۱) روایت کرده‌اند.

^۲ مناقب الشافعی از بیهقی (۱ / ۴۴۹).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

چه کار؟! سپس این را چند بار برای من تکرار کرد: «ما را با نبرد آنان و آن خون‌ها [که ریخته شد] چه کار؟!»!

برخی گمان می‌کنند که این «خودداری»، از نوع در جهل نگه داشتن امت است و این، بخشی از تاریخ است که باید بر آن آگاه شد و صحیح نیست که رازی سربسته بماند که هیچ‌کس از آن مطلع نشود.

اما حقیقت آن است که این، فهمی نادرست از اصل «خودداری از داوری» است. مقصود این نیست که این واقعه، پرونده‌ای بسته‌شده و غیرقابل دسترس است یا رخدادی سرّی است که همگان را به کتمان آن سفارش کرده‌اند. بلکه علمای اسلام آن را بررسی کرده، کاویده‌اند، صحیح را از ناصحیح آن جدا کرده‌اند و درباره هر آنچه نیاز به سخن گفتن داشته، سخن گفته‌اند و پس از همه اینها، به این نتیجه رسیده‌اند که «خودداری»، تنها منهج سالم و موضع درست در تعامل با آن است.

^۱ السنة از خلال (۱/ ۳۳۰).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

بنابراین «خودداری»، همان نتیجهٔ عقلانی‌ای است که هر کس رخدادهای این فتنه را به صورتی عالمانه و منصفانه بررسی کند، به آن خواهد رسید. و خلل، از کوتاهی‌ای ناشی می‌شود که به دلیلِ نقص در علم یا عدل، به ظلم می‌انجامد.

همچنین، این «خودداری» مربوط به «اشخاص» صحابه است، اما قضایا و احکام [دینی] تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیرند. این رویکرد، قرار نیست موضعی خطا را تصحیح کند یا امری حرام را صرفاً به دلیلِ احتیاط برای عمل صحابه (رضی الله عنه) مجاز بشمارد. بلکه این [خودداری]، مربوط به خودِ آنان است. آنچه در این رخدادهای از آنان سر زده، یا به دلیلِ تأویل یا خطا بوده و در آن معذورند، یا از نوع معاصی و خطاهایی بوده که در [دریای] نیکی‌هایشان بخشیده شده است و کارشان با خداست؛ پس معنایی برای ورود به آن وجود ندارد.

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

به همین دلیل، توصیف امام احمد آنگاه که درباره گردآوری (روایات) رُخ داده میان صحابه (رضی الله عنهم) سخن گفت، بسیار دقیق بود که فرمود: «این احادیث، در دل کینه به جا می‌گذارد»^۱!

اینها داستان‌ها و مواضعی است که کینه و نفرت را علیه بخشی از آن نسل مبارک برمی‌انگیزد؛ هیچ ثمره‌ای در آن نیست و نه علم سودمندی و نه عمل صالحی بر آن مترتب می‌شود. به همین دلیل، امام احمد گفت: «دوست ندارم کسی احادیثی را بنویسد که در آن یادی از اصحاب پیامبر ﷺ شده است، بدون آنکه [در باب] حلال و حرام و سنن باشد». پس حنبل بن اسحاق پرسید: «آیا آنها را بنویسم؟» [امام احمد] گفت: «به آنها نگاه نکن. در آنها چه علمی وجود دارد؟ به سنن و فقه و آنچه به شما سود می‌رساند توجه کنید»^۲.

^۱ نگا: السنة از خلال (۱/ ۴۰۰).

^۲ نگاه کنید به: السُّنَّة از خلال (۱/ ۳۹۸). و برای آگاهی از موضع امام احمد درباره نگارش و روایت این احادیث، نگاه کنید به: السُّنَّة از خلال (۱/ ۳۹۵ - ۴۰۳).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

همچنین، بسیاری از مردم در فهم آنچه از این وقایع برایشان نقل می‌شود، دچار سوءبرداشت می‌شوند، مقصود آن را درک نمی‌کنند و شیوه تعامل درست با آن را نمی‌دانند. به همین دلیل، اعمش گفته است: «ما از خشم اصحاب رسول خدا ﷺ برایشان گفتیم، اما آنان آن را [به عنوان] دین برای خود برگزیدند!»^۱ و [در جایی دیگر] گفت: «دیگر هرگز به [نقل] چیزی از آن [روایات] باز نمی‌گردم».^۲

از جمله معانی‌ای که این خودداری را واجب می‌کند، این است که این [وقایع]، به جزئیات احوال انسان‌هایی مربوط است که به ملاقات خدا شتافته‌اند و حسابشان با اوست. پس خردمندانه نیست که انسان در چیزی که از او پنهان است و نیازی به آن ندارد، وارد شود. از جمله استدلال‌ها به این معنا، [روایتی است که] مردی از امام احمد درباره آنچه میان علی و معاویه (رضی الله

^۱ یعقوب بن سفیان فسوی در «المعرفة و التاريخ» (۲/ ۷۶۵) روایت کرده است.

^۲ عبدالله بن احمد در «العلل و معرفة الرجال» (۲/ ۴۱۶)، شماره (۲۸۵۷) روایت کرده است. و برای

تعلیقی مهم از معلمی حول این معنا، نگاه کنید به: التنکیل (۱/ ۸۸-۹۰).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

عنهما) رُخ داد، پرسید. امام از او روی گرداند، سپس به او رو کرد و گفت:

بخوان: {تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا

يَعْمَلُونَ} [بقره: ۱۳۴] (آنان امتی بودند که درگذشتند؛ آنچه کردند، برای

خودشان است؛ و آنچه شما کرده‌اید، برای خودتان است؛ و شما درباره آنچه

آنان می‌کردند، بازخواست نخواهید شد).^۱

این زبان‌درازی بر صحابه و بزرگان امت پس از آنان، خود، خیری است که

خداوند برایشان باقی گذاشته است. چنانکه شافعی گفته است: «فکر

نمی‌کنم مردم به بدگویی از اصحاب رسول خدا مبتلا شده باشند، مگر برای

اینکه خداوند به این وسیله، در زمانی که عملشان قطع شده، بر ثوابشان

بیفزاید». ^۲

^۱ خطیب بغدادی در «تاریخ بغداد» (۶/۵۴۴)، و از طریق او ابن عساکر در «تاریخ دمشق» (۵۹/۱۴۱)، و

ابن جوزی در «مناقب الإمام أحمد» (۲۲۱) روایت کرده‌اند. و نگاه کنید به: طبقات الحنابلة (۱/۹۶ -

۹۷).

^۲ لالکائی در «شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة» (۸/۱۵۴۸)، و بیهقی در «مناقب الشافعی» (۱/

۴۴۱) روایت کرده‌اند.

- پاک‌زبانی نسبت به مؤمنان پیشین

این معنا، ارزش اخلاقی والای پاک‌زبانی نسبت به اهل علم و ایمان را تقویت می‌کند؛ کسانی که قدم صدق و پیشینه‌ای [نیکو] داشته‌اند و قرن‌هاست که به پروردگارشان پیوسته‌اند. [این ارزش ایجاب می‌کند] که مسلمان آنان را جز به نیکی یاد نکند و معنایی ندارد که زبانش را بر آنان دراز کند و به آنان بدی روا دارد؛ چرا که نیازی به این کار نیست و این کار، سبب برانگیختن کینه‌ها و تفرقه بی‌معنا میان مردم است.

نیاز و مصلحت، تنها در این است که خطای رُخ داده تبیین شود، بدعت واقع‌شده رد گردد، و قول [نادرست] شایع‌شده، انکار شود؛ آن هم بدون زبان‌درازی‌ای که نیازی به آن نیست.

سخن گفتن دربارهٔ افراد، از نوع غیبت حرام است و معلوم است که جواز آن، مشروط به مصلحتی معتبر است، مانند رد کردن باطل و تبیین خطا. اما این کار باید در حدودی باقی بماند که آبروی مسلمان را حفظ کند. این امر،

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

ضرورت احتیاط هنگام سخن گفتن درباره اشخاص را ایجاب می‌کند؛ چرا که: «آبروی مسلمانان، گودالی از گودال‌های آتش است»^۱ و هر آنچه فراتر از باشد، باید به عنوان یک استثناء باقی بماند.

به همین دلیل، می‌بینی کسی که می‌کوشد این معنا را حفظ کند، زبانش را از [حمله به] اشخاص باز می‌دارد و باطل را - از هر کسی که باشد - رد می‌کند، در حقیقت، معنای شرعی پذیرش حق و رد باطل را محقق می‌سازد، هواهای نفسانی را فرو می‌نشاند و مفاصد را دفع می‌کند. چنین فردی، علاوه بر آنکه ذمه خود را [از گناه] حفظ کرده، مقصد شرعی انکار را نیز محقق نموده و این، همان مدارای ستوده شده در شرع است.

و خودداری از پرداختن به اختلافات و حفظ زبان از طعن و کاوش، تنها به صحابه (رضی الله عنهم) اختصاص ندارد، بلکه شامل همه طبقات امت می‌شود. و ابن تیمیه به نیکی این معنا را دریافته است که هر نسلی، باید با

^۱ الاقتراح فی بیان الاصطلاح از ابن دقیق العید (۶۱).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

نسلِ پیش از خود، همان‌گونه رفتار کند که تابعین با صحابه رفتار می‌کردند. او می‌گوید: «زیرا هم گوینده آن [سخنان اختلافی] بزرگ است و هم آنچه درباره‌اش سخن گفته شده، بزرگ است و آنان امامانی مجتهد بوده‌اند. پس سخن گفتن در این باب، شبیه سخن گفتن درباره وقایع میان صحابه است؛ زیرا معنایی که مقتضی [این احتیاط] است، هم شامل صحابه و هم شامل سایر طبقات امت می‌شود. چرا که شایسته است هر نسل متأخر، در برابر نسل متقدم، معنای این آیه را به کار گیرد: **رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ** [حشر: ۱۰] (پروردگارا، ما را و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا، به راستی که تو دلسوز و مهربانی).^۱

^۱ جواب الاعتراضات المصرية (۱۱۶). و نگاه کنید به: جامع الفصول (المجموعة الأولى / ۲۶۵-۲۶۶). و برای معنایی مشابه، نگاه کنید به: سیر أعلام النبلاء از ذهبی (۱۰/ ۹۲ - ۹۴).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

و هنگامی که به امام احمد گفته شد: «گروهی هستند که این احادیثِ ناپسند دربارهٔ اصحاب رسول خدا را می‌نویسند و از شما حکایت کرده‌اند که گفته‌اید: من ایرادی نمی‌بینم که یک محدث، برای شناخت، این احادیث را بنویسد». [امام] خشمگین شد و به شدت آن را انکار کرد و گفت: «باطل است! پناه بر خدا! من چنین چیزی را انکار نکنم؟! اگر این [سخنان ناپسند] دربارهٔ مردم عادی بود، آن را انکار می‌کردم؛ چگونه [اجازه دهم] دربارهٔ اصحاب محمد ﷺ باشد؟!»^۱

از پدیده‌های زشت در عصر ما، گستاخی زبان برخی افراد علیه علمای پیشین به دلیل خطاهایی است که در آن افتاده‌اند. در حالی که می‌توانستند حق را روشن سازند و دربارهٔ خطا تذکر دهند، بدون آنکه نیازی به زبان‌درازی، طعن یا سرزنش باشد. و چه زشت است که «علم»، انگیزه‌ای برای برخی نفوس جهت ارتکاب غیبتِ حرام شود! چنانکه سلیمان بن سالم می‌گوید: ابوسنان زید بن سنان به من گفت: «ای سلیمان، اگر طالب علم، پیش از آنکه مسئله‌ای از دین

^۱ السُّنَّةُ از خلال (۱/ ۳۹۵).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده |

را بیاموزد، زبان‌درازی بر مردم را بیاموزد، کی رستگار خواهد شد؟!» و ابوسنان (رحمه الله تعالی) اجازه نمی‌داد کسی در مجلسش از دیگری غیبت کند و اگر کسی قصد آن را می‌کرد، او را نهی و ساکت می‌کرد.^۱

و این [زبان‌درازی]، زمینه‌ساز مجازاتی زودرس است؛ به این صورت که آبروی خود او [در آینده] به عنوان جزای تعرضش به آبروی دیگران مورد تعرض قرار گیرد. چنانکه مالک بن انس گفته است: «در مدینه گروهی بودند که عیبی نداشتند، اما چون دربارهٔ عیوب مردم سخن گفتند، خود، صاحب عیب شدند. و گروهی بودند که عیوب [بسیاری] داشتند، اما از [گفتن] عیوب مردم سکوت کردند، پس عیوبشان فراموش شد».^۲

^۱ نگا: ریاض النفوس از ابوبکر مالکی (۱/ ۳۸۸).

^۲ ابوالشیخ اصبهانی در «النوادر و النتف» (۲۸۹) و حمیدی در «التذکرة» (۳۸۱) روایت کرده‌اند. و مانند آن از ابی حاتم احمد بن حسن بن هارون نیز نقل شده، چنانکه در «تاریخ جرجان» از حمزة بن یوسف سهمی (۲۵۲) آمده است.

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

و امام احمد بن حنبل بارها گفته است: «هیچ کس درباره‌ی [عیوب] مردم سخن نگفت، مگر آنکه سقوط کرد و حدیثش از بین رفت»!

پس مقصود [از نقد]، بیان حق، نشر سنت و راهنمایی مردم به خیر است. و این ایجاب می‌کند که شخص ناصح، آنچه را که این هدف را محقق می‌سازد، در نظر بگیرد. نقدی که مصلحتی را محقق نمی‌کند، یا مصلحتی برتر از آن وجود دارد، یا مفسده‌ای بزرگ‌تر در پی دارد، آن مقصود را برآورده نمی‌سازد.

مقصود، تحقق چیزی است که دین مردم را حفظ کند؛ مقصود، تحقق چیزی است که دین مردم را حفظ کند؛ نه دل خنک کردن از گذشتگان [با بد گفتن از آنان]، نه انتقام گرفتن از آنان، و نه تعمیق کینه‌ی نفوس. اینها از صفات کسانی نیست که به نیکی از آنان پیروی کرده‌اند.

- تمایز میان نقد اشخاص و پاسداری از حق

انگا: الآداب الشرعية از ابن مفلح (۲/ ۱۴۲ - ۱۴۳)، و بحر الدم از ابن مبرد (۸).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

از آثار این گفته (یعنی دعا برای گذشتگان و طلب رفع کینه)، این است که مسلمان را در یک راه و روش میانه و معتدل، میان دو مسیر انحرافی قرار می‌دهد:

مسیر نخست: کسی که به اصول و احکام می‌نگرد و معتقد است که مهم، بیان حق است و جایگاه حق، برتر از جایگاه اشخاص است. پس این معنا در قلبش چنان بزرگ می‌شود که در حفظ جایگاه اشخاص، کوتاهی می‌کند.

مسیر دوم: کسی که به جایگاه اشخاص می‌نگرد و معتقد است که آنان مقامی دارند که باید احترامشان حفظ شود و آنان مجتهدانی حق‌جو بوده‌اند و رد کردن آنان باید با حدود و شروطی سخت‌گیرانه باشد. پس این معنا در قلبش چنان بزرگ می‌شود که در بیان حق، کوتاهی می‌کند.

در حالی که عدالت، راه میانه این دو است. پس واجب است که میان «بیان حق و روشن ساختن براهین آن» و «رد کردن هر آنچه آن را مخدوش

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

می‌سازد»، با «حفظ مقام اشخاص به حسب ایمان، علم و جایگاهشان»، تمایز قائل شد؛ و هیچ تعارضی میان این دو وجود ندارد.

ابن تیمیه در بیان این تمایز آشکار شرعی می‌گوید: «همواره امامانی از صحابه و تابعین - که در امت، نامی نیکو داشته‌اند و نزد امت از بزرگان اولیای متقی خدا به شمار می‌روند - اقوالی داشته‌اند که [در آن]، سنت [یا حدیثی از پیامبر] به اطلاعشان نرسیده بود. پس نه در آن [خطا] از آنان پیروی می‌شود و نه به خاطر آن، مورد بدگویی قرار می‌گیرند. بلکه ناگزیر باید هم از حق پیروی کرد و هم اهل ایمان و تقوا را بزرگ داشت؛ و این اصلی استوار میان اهل اسلام است»^۱.

این منهج معتدل، دل‌ها را [بر محور حق] گرد می‌آورد و از زبان‌درازی بر آنان به سبب خطایشان، یا تعصب ورزیدن بر خطاهایشان به سبب جایگاهشان، مصون می‌ماند. ابن تیمیه در این باره می‌گوید: «اما وقوع چنین تأویلی از

^۱ الرد علی الشاذلی (۲۴).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

سوی امامان پیشوا و اهل علم و ایمان، خود، از اسباب محنت و فتنه شده است. زیرا کسانی که آنان را بزرگ می‌شمارند، چه بسا در آن [خطا] از آنان پیروی کنند و چه بسا در حدی که آن بزرگان متوقف شدند، توقف نکنند، بلکه از آن فراتر روند و زیاده‌روی‌هایی کنند که از آن امامان، صادر نشده بود. و کسانی که حرام بودنِ آن کار را می‌دانند، چه بسا بر آن مجتهدان تأویل‌کننده، به سببِ امری که در آن بخشوده شده‌اند، بتازند و در مذمت آنان زیاده‌روی کنند و با آن، آبروی برادرانشان و دیگران را حلال شمارند؛ کاری که خدا و رسولش آن را حرام کرده‌اند.^۱

و از [نمونه‌های] این معنا، زبان‌درازی برخی معاصران بر معاویه (رضی الله عنه) به سبب مواضع شناخته‌شدهٔ اوست. بحث در اینجا بر سر درست یا غلط بودنِ آن افعال نیست؛ بلکه بر سر پاکیِ دل و عفت زبان است. و از آنجا که اینها اموری تاریخی و پایان‌یافته هستند، شکی نیست که کسی که گمانِ نیک می‌برد، بهتر از کسی است که گمانِ بد می‌برد. ابن تیمیه در تقریر این معنای

^۱ الاستقامة (۱/ ۳۰۱-۳۰۲).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده |

شرعی می‌گوید: «[درباره] این مقدار، اگر کسی اجتهاد کند و در [دفاع و] نیک‌گویی از آنان به خطا رود، بهتر از کسی است که اجتهاد کند و در کینه‌ورزی نسبت به آنان به خطا رود. زیرا باب احسان به مردم و عفو از آنان، بر باب بدرفتاری و انتقام، مقدم است».^۱ و می‌گوید: «پس خطای مجتهد در احسان به آنان - با دعا، ستایش و دفاع از ایشان - بهتر از خطای او در بدرفتاری با آنان - با لعن، مذمت و طعن - است».^۲

پس گمان نیک، گفتار نیکو و پاک‌زبانی، تأثیری در احکام [شرعی] نخواهد داشت. هیچ حکم شرعی‌ای وجود ندارد که تحت تأثیر نیک‌گویی درباره معاویه و عدم تعرض به او قرار گیرد. و همین سخن درباره سایر علما و اهل صلاح و دین این امت نیز گفته می‌شود. اشتباه کردن در خوش‌گمانی به آنان و پاک نگه داشتن زبان از ایشان، بهتر از اشتباه کردن در طعن و کاوش در [احوال] آنان است. پس راه دعا برای مؤمنان، طلب رحمت برای آنان و پاک نگه

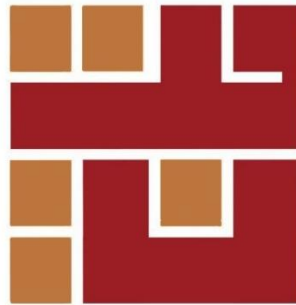
^۱ منهاج السنة النبوية (۴/۳۷۲).

^۲ منهاج السنة النبوية (۴/۳۷۳).

سخنان محافظ | و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار داده |

داشتنِ زبان از ایشان، در هر حال، برتر، محتاطانه‌تر و برای [سلامتِ] ذمه
[انسان]، پاکتر است.

سخنان محافظ | و در دل های ما کینه ای نسبت به مؤمنان قرار داده



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies